

در نشست «واکوی توازن کار و زندگی برای زنان در نظام آموزش عالی» بررسی شد

پازل نقش آفرینی زنان

در آموزش عالی چگونه تکمیل می‌شود؟



زهرا رضایانی
نایب‌رئیس گروه دانشگاه

حضور زنان در عرصه آموزش عالی و تناسب حجم مسئولیت‌شان در این عرصه با نقشی که آنها در خانواده دارند یکی از موضوعات پرتکرار سال‌های

اخیر است، اتفاقی که پای آن به آیین‌نامه ارتقا هم باز و تلاش شد تا توازنی در این حوزه ایجاد شود. از طرف دیگر قانون جوانی جمعیت نیز تلاش کرده تا بتواند شرایط آسان‌تری را برای اشتغال زنان ایجاد کند. موضوعی که حل آن به همین سادگی‌ها نیست و در مقابل نیز بیشتر شدن سهم داوطلبان دختر در آزمون سال‌های اخیر نشان می‌دهد که در آینده نیاز

به ایجاد شغل برای آنها به مراتب فراتر از امروز خواهد بود. موضوعی که در یک‌صد و هفتاد و ششمین نشست علمی-تخصصی مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی با عنوان «واکوی توازن کار و زندگی برای زنان در نظام آموزش عالی؛ توصیه‌های سیاستی در نظام اداری» مورد بررسی قرار گرفت. نشست که در آن علی‌باقر طاهری‌نیا،

سه‌گانه‌ای که حضور زنان در دانشگاه را تسهیل کرد

داشته باشند. بعد از جنگ جهانی دوم، سه‌گانه‌ای ایجاد شد که حضور زنان را در دانشگاه تسهیل کرد. وجه اول مطالبات برابری خواهانه اجتماعی، وجه دوم نیاز بازار کار به نیروی کار و وجه سوم نیز بار مالی بود که دانشگاه‌ها برای دولت‌ها داشتند و این سه‌گانه‌ها، عصر توده‌ای شدن آموزش عالی را رقم زد و بزرگ‌ترین عصر توده‌ای شدن نیز در تمام دنیا زنان بود. با این حال آنها وارد نهادی شدن که از اساس برای حضور زنان تطبیق پیدا نکرده بود. به همین دلیل مشکلاتی در این حوزه ایجاد شد که عمدی هم برای آنها وجود نداشته و پیش‌بینی هم نشده بودند. مساله دیگر بحث توازن کار و زندگی است که البته تنها هم مختص آموزش عالی نمی‌شود، بلکه در همه ابعاد جزء موضوعات مهم است. با وجود اینکه در نگاه کلی، بحث توازن کار و زندگی نگاه جنسیتی ندارد، اما در دانشگاه و حتی سایر نهادها نقش جنسیتی پیدا می‌کند و دلیلش هم به خاطر مسئولیت‌هایی است که متوجه زنان می‌شود. یعنی این مسئولیت‌ها، محدودیت‌هایی را برای آنها ایجاد می‌کند که بحث توازن کار و زندگی را برای آنها جزء موضوعات مهم‌تری تبدیل می‌کند. در نهادهای مانند آموزش عالی اگر چه بحث دانشجوی، هیات علمی و باورن علمی را داریم، وجه هیات علمی پررنگ‌تر است؛ چرا که آنها کارکنان تخصصی محسوب می‌شوند و از دست دادن آنها هم عوارض متعددی را ایجاد می‌کند.

سمیه فریدونی، عضو هیات علمی و دبیر میز تخصصی توازن کار و زندگی مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی:

بحث زنان در آموزش عالی بسیار مفصل است که می‌توان از زوایای مختلف به آن نگریست. در اینجا باید بگویم که از اساس آموزش عالی برای زنان طراحی نشده بود و از دوره نخبه‌گرایی برای مردان و آن هم از طبقه اشراف طراحی شده و بنا بود تا آنها هم کارهای خاص و مسئولیت‌های خاصی را



از ازلان به فکر اشتغال زنان در ۴ سال آینده باشیم

علی‌باقر طاهری‌نیا، رئیس موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی: ما همیشه از خلأهایمان پژوهش و اجرا به عنوان یک واقعیت عرصه اجرایی نام می‌بریم و می‌گوییم کارشناسان اقتصادی حرف خودشان را زده و وزیر اقتصاد نیز کار خودش را انجام می‌دهد، ولی اینکه رشته وزیر هم اقتصاد باشد اما خرید جمعی در آن وجود ندارد. باید چه کار کنیم تا این حوزه‌ها به یکدیگر پیوند بخورد، ما به این نتیجه رسیدیم که در این عرصه نیاز به یک مبدل داریم که یک سر آن به فهم مدیر اجرایی و سر دیگر به ایده پژوهشگران بخورد و ما از ما نویسی را راه‌اندازی کردیم. یعنی هر محقق، هر پژوهشی که انجام می‌دهد به تناسب خروجی آن برود داد یک صفحه مطلب نوشته و در آن بنویسد که مساله چه بوده؟ چه یافته‌هایی داشته و پیشنهاد سیاستی و اقدام آن هم چه باید باشد؟ این یک صفحه خلاصه گزارش و گزارش سیاستی نیست، بلکه مثلاً به رئیس جمهوری می‌گوییم در حوزه زنان مساله اصلی چیست و برای حل آن چه باید کرد؟ یعنی «از ما» نتیجه فعالیت پژوهش را به زبان مدیر اجرایی بیان می‌کند. جامعه دانشگاهی شامل دانشجوی، هیات علمی و باورن علمی می‌شود که مشمول دانشجوی دختر، اعضای هیات علمی و باورن علمی زن. طبیعی است که بخشی از نظام مسائل آنها، مربوط به نظام مسائل بین‌المللی است و بخشی نیز ناظر به مسائل درونی کشور است که البته بخش مهم نیز ناظر به نظام مسائل درونی کشور است. با وجود اینکه باید بگویم براساس زیرنظام‌ها، بیشترین اشتغال در حوزه وزارت بهداشت است، اما مساله اصلی این است که باید برای این مساله فکر شود. بر اساس مطالعات روندی و طولی در حوزه زنان مرتبط



علی‌باقر طاهری‌نیا، نایب‌رئیس مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری آموزش عالی

کافی را به این حوزه نمی‌دهیم، عملاً شاهد تحقق آن هم نیستیم. وقتی نظام قانونگذار این وزن را ندهد، خانم هم دچار سوءتفاهم نسبت به وزن کاری‌اش می‌شود. زنان به اندازه مردان کار کرده و همان مقدار حق بیمه و بازنشستگی را پرداخت می‌کنند اما وقتی بازنشسته می‌شوند، بعد از مرگ مان خانواده‌مان هیچ حقوق مادی که ما در طول ۳۰ سال پرداخت کرده‌ایم را دریافت نمی‌کنند، در حالی که همین حق برای مردان وجود دارد. اینکه مردان تأمین معیشت زندگی را برعهده دارند، بحث دیگری است وقتی شما از ما حق بازنشستگی و بیمه دریافت می‌کنید، باید این مساله را دنبال کنید.

در شورای عالی انقلاب فرهنگی کردیم؛ یعنی وقتی که می‌خواستند اصول حاکم بر بازنگری را در این حوزه به تصویب برسانند، این اتفاق بسیار مهمی بود، ما رعایت، توجه و لحاظ اصل خانواده محوری و عدالت جنسیتی را وارد اصول «آگانه‌ای» کردیم که قرار بود بر فرآیند بازنگری حاکم باشد. اساساً این دو واژه را وارد فضای سیاستگذاری در شورای عالی انقلاب فرهنگی کردیم یعنی وقتی که می‌خواستند اصول حاکم بر بازنگری را در این حوزه به تصویب برسانند، این اتفاق بسیار مهمی بود که ما رعایت، توجه و لحاظ اصل خانواده محوری و عدالت جنسیتی را وارد اصول «آگانه‌ای» کردیم که قرار بود بر فرآیند بازنگری حاکم باشد. در حالی که سیاست‌های کلان مقام معظم رهبری می‌گوید باید تمام نظام‌های ما خانواده‌محور باشد. اما این مساله اولین مولفه‌اش وجود آمار و اطلاعات دقیق است. این مساله یعنی ما در این زمینه کم‌کاری کرده‌ایم. حدود ۱۶ تا ۲۰ درصد زنان مشاغل و ۸۰ درصد زنان در سن اشتغال، خانه‌دار هستند. حالا نکته اینجا است که بیایم حجم قوانین و مقررات و مطالعات مرتبط با اشتغال زنان را با زبان خانه‌دار مقایسه کنیم، در حالی که زنان خانه‌دار، ۴ برابر جمعیت زنان شاغل است. این مساله نشان می‌دهد، زن نه به ماهوی زن بلکه به ماهوی شاغل سوره پرداخت ماست و این مساله بد است و این نشان می‌دهد وزن دهنی لازم در این زمینه صورت نگرفته است.

ما برای این مساله که یک عضو هیات علمی فرزنددار می‌شود، می‌تواند پایه سالیانه‌اش را بگیرد، وقتی قائل نیستیم در حالی که اگر فردی وزیر یا معاون وزیر باشد، می‌تواند براساس اصل ۴۰ آیین‌نامه ترفیع، پایه سالیانه‌اش را بگیرد؛ وقتی ما چنین وزنی را برای هیات علمی خانم قائل نیستیم و وزن

را اساساً در مجموعه مأموریت‌های آحاد جامعه فرو کاسته‌ایم، حال‌در این شرایط ما تنها بر روی زنان متمرکز شده‌ایم. البته موافق هستم که نقطه زن مسائل را بررسی کنیم اما به شرط اینکه این نقاط یک تصویر کلان شده و در نهایت ما بهم معنا شوند، یعنی نباید اینطور باشد که در این حوزه به یک تصویر کاریکاتوری برسیم، یعنی ما بخشی از این جامعه را به حدی پررنگ می‌کنیم که یک تصویر کاریکاتوری از جامعه، خانواده و زنان می‌سازیم. نقد دوم این است که اگر قرار باشد نقطه تمرکز ما در بخشی از سیاستگذاری و اجرا حوزه زنان باشد، نباید مسائل زنان را زنانه نگاه کنیم؛ یعنی تا وقتی موضوع زنان را زنانه نگاه کنیم، کار پیش نمی‌رود. یعنی اگر بگوییم چون مشکلات زنان جلسه درباره زنان است، پس اصلاً هیچ مردی در آن حضور نداشته باشد، کار پیش نمی‌رود. تا وقتی در کشور ما مسائل زنان، زنانه تلقی شود، کاری از پیش نمی‌رود. یعنی تا وقتی مسائل زنان دغدغه مردان نشود، نمی‌توان انتظار جلو رفتن کار را داشت. من ادعایم این است که به رسم اینکه برخی تلاش می‌کنند بگویند وزن خانواده در ایران اسفناک است، بنده -به نوعی- فردی که در حوزه خانواده وسط آتش هستم، باید بگویم با همه نگرانی‌هایی که وجود دارد و با توجه به شرایط موجود باید دغدغه آن را داشته باشیم، اما هنوز خانواده در کشور ما یکی از مهم‌ترین و کلیدی‌ترین نهادهای اجتماعی است. اما انتظاری که می‌رود آن است که با زیرگان اصلی پرداخت به مساله خانواده، تمرکز و توجه بیشتری به این حوزه داشته باشند. ما وقتی می‌خواستیم بازنگری آیین‌نامه ارتقا و بازنگری آیین‌نامه استخدام را بر مبنای دو اصل خانواده محوری و عدالت جنسیتی انجام دهیم؛ که آن را یک موفقیت بزرگ می‌دانم، چرا که اساساً این دو واژه را وارد فضای سیاستگذاری

عدالت جنسیتی را در بازنگری آیین‌نامه ارتقا پیگیری کردیم

فهیمة فرهمندپور، رئیس شورای فرهنگی اجتماعی خانواده و زنان شورایی عالی انقلاب فرهنگی:

وقتی از توازن صحبت می‌کنیم، باید این مساله را مدنظر قرار دهیم که توازن هم خانواده توزین است، یعنی تا وقتی وزن دهنی نکنیم، ایجاد توازن بی معنا خواهد بود. به عبارت دیگر اول به دو یا چند مولفه وزن می‌دهیم و بعد تلاش می‌شود تا بین آنها توازن ایجاد شود و ما نیز اگر می‌خواهیم در اینجا توازن ایجاد کنیم، باید در ابتدا وزن دهنی را انجام دهیم. موضوع دیگر اینکه وزن دهنی برخی چیزها، قابل سنجش و اندازه‌گیری است، یعنی تفاوت ندارد چه فردی آن را وزن می‌کند، بلکه اگر ترازوها درست باشد، وزن آن یکسان نشان داده می‌شود. اما در امور نسبی، فردی و قائل به تشخیص و ارزیابی نظام افراد، این وزن دهنی پاسخ مشخصی را ندارد و بازگشت آن نیز کاملاً به نظام ارزشی افراد برمی‌گردد که خود این نظام نیز محصول یک جریان فرهنگی خرد و کلان است. وقتی ما از توازن کار و زندگی صحبت می‌کنیم، این مساله برمی‌گردد به اینکه برای کار و زندگی چه وزنی قائل هستیم و این وزن هم از جنس یک امر شخصی، ارزشی و متناسب با دیدگاه‌های فردی و فرهنگ رسمی کشور است. این را هم باید مدنظر قرار داد که در طول سال‌های اخیر به حدی به نقش زنان در خانواده تأیید کرده‌ایم که نقش مردان در این عرصه مورد غفلت قرار گرفته و حتی در مواردی زنان را مسئول اول در موضوعات مرتبط با خانواده معرفی کرده‌ایم. مثلاً می‌گوییم فاصله بین نسلی رخ داده، می‌گویند چون مادران شاغل هستند و ما می‌گویند فرزندان مشغول فضای مجازی هستند، می‌گویند چون مادران برای آنها زمان نمی‌گذارد. این مدل باعث شده تا وزن خانواده

زنان فارغ‌التحصیل دکتری، معلمی را به استادی ترجیح دادند

فخرالسادات نصیری، مشاور امور زنان و خانواده وزیر علوم:

اصلی‌ترین مساله، قوانین و سیاستگذاری دولتی در حوزه آموزش عالی است که باید ملاک قرار گیرد و اگر این حوزه تغییر کند، به بهبود حضور زنان در این عرصه کمک زیادی خواهد کرد. افزایش آگاهی و تغییر نگرش‌های اجتماعی به سمت برابری جنسیتی هم مولفه دیگری است که باید ملاک قرار گیرد. یعنی قطعاً اگر معیار و محور، خانواده قرار بگیرد شاید در مباحثی که در حوزه‌های مختلف مانند تغییر آیین‌نامه‌ها شکل می‌گیرد، بتوان راحت‌تر بحث موضوعات زنان را پیگیری کرد. اگر قرار باشد حضور زنان در آینده بیشتر باشد، به‌نظر تغییر نگرش یا تغییرات فرهنگی و اجتماعی بیشترین تأثیر را خواهد گذاشت. مساله دیگر بحث حقوق و دستمزد اعضای هیات علمی است و براساس نظرسنجی‌ای که از دانشجویان انجام دادم، در دو سال اخیر خانم‌هایی که دارای مدرک دکتری هستند، ترجیح داده‌اند به سمت معلم‌گری پیش بروند



تا اینکه بخواهند عضو هیات علمی شوند. اگر شرایط اقتصادی بهبود یابد، حضور زنان در هیات علمی بیشتر می‌شود. توسعه تنوع و ایجاد فرصت‌های برابر در رشته‌ها هم موضوع دیگری است که باید مدنظر قرار گیرد، شاید فراز و فرودهایی که در اینجا داریم، دست خود داوطلبان هم نباشد، یعنی گاهی سازمان سنجش ظرفیت‌ها را کاهش می‌دهد و این مساله باعث می‌شود داوطلبان دختر نتوانند در برخی از رشته‌ها حضور جدی‌تری را داشته باشند. یک سری از مسائل هم روند‌های جهانی مانند گسترش فناوری‌های نوین است، یعنی وقتی عنوان می‌شود که اگر زنان در عرصه‌های ورزشی حضور نداشته باشند، آن کشور به صورت کلی از حضور در عرصه‌های جهانی محروم می‌شود، ما نیز مجبور هستیم این مساله را بپذیریم اما باید قبول کنیم این حوزه را باید بومی سازی کرد. یعنی باید قوانین و مقررات را به گونه‌ای تغییر داد که قوانین بین‌المللی را هم لحاظ کنیم. عناصری که می‌تواند برای افراد

تصمیم‌گیر در شوراهای مختلف و به صورت کلی ارکان تصمیم‌ساز، کمک‌کننده باشد، این است که باید عدالت جنسیتی ملاک قرار گیرد و در کنار آن حمایت‌های مالی و قانونی، ترویج رشته‌های غیرسستی و کمتر زنانه، توسعه توانمندی‌ها و مهارت‌ها، ایجاد محیط حمایتی و امن، شبکه‌سازی و مشاوره، تشویق تحقیقات و مطالعات جنسیتی و ارزیابی و پایش مستمر را همزمان با آنها دنبال کنیم. یکی از مواد قانون جوانی جمعیت آن است که از دانشجویانی که پروژه‌های مرتبط با این قانون را دارند، حمایت‌های مالی صورت گیرد اما باز خوردهایی که داریم آن است که هیچ دانشگاهی این مساله را نمی‌پذیرد از این حوزه حمایت مالی داشته باشد. پژوهش‌های جنسیتی، توسعه فضای حمایتی و احترام آمیز و... را هم باید مدنظر قرار داد. متأسفانه گاهی برخی قوانین خودشان دست و پاگیر بوده و بهتر است برخی دانشگاه‌ها خودشان روندشان را در نسبت به حضور زنان تغییر دهند.

مجمع عمومی
مجمع عمومی «انجمن بین‌المللی اندیشه اجتماعی مسلمان»
به منظور انتخاب هیات‌رئیس و بازرسان با حضور نماینده رسمی وزارت علوم، یکشنبه ۱۱ شهریور ۱۴۰۳ ساعت ۱۰ تا ۱۳ در سالن ابن‌خلدون، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران برگزار خواهد شد.

فرهیختگان
صدای نخبگان، نگاه جوانان
WWW.FDN.IR روزنامه فرهیختگان